



مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (قدس)

پایان نامه کارشناسی ارشد

رشته علوم قرآنی

عنوان:

مدیریت تفکر در پرتو قرآن

استاد راهنما:

حجة الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه

استاد مشاور:

حجة الاسلام و المسلمین اکبر میر سپاه

نگارش:

مجید شمس کلاهی

شهر مقدس قم

آذر ۱۳۸۶ ه.ش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس و... از این پایان نامه برای مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام محفوظ بوده، نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

سلامٌ على آلِ يس ...

سلام و صلوات الهی بر محمد مصطفی و اهل بیت مطهر او و صلوات خدا بر روح الله موسوی امام خمینی و بر خلف صالح او، رهبر علوی حسینی آیه الله خامنه‌ای.

از خداوند مهربان برای همگی آموزگاران علم نافع و عمل صالح، رحمت و رضوان الهی را مسألت دارم به‌ویژه برای صاحب المیزان فی تفسیر القرآن علامه‌ی هادی محمد حسین طباطبایی و از همه‌ی اساتید خویش سپاس گزارم، به‌ویژه آیه الله سید رضی شیرازی، آیه الله حاج شیخ احمد مجتهدی تهرانی، آیه الله مصباح یزدی؛ و مراتب سپاس و احترام خویش را نسبت به اساتید محترم: جناب حجّة الاسلام و المسلمین محمود رجبی، مدیر گروه علوم قرآنی مؤسسه‌ی امام خمینی (قدّس سرّه)، جناب حجّة الاسلام و المسلمین عبدالحسین خسروپناه استاد راهنما و جناب حجّة الاسلام و المسلمین اکبر میرسپاه استاد مشاور و جناب استاد حجّة الاسلام و المسلمین محمد جواد اسکندرلو که مشفقانه این بنده را در به انجام رساندن تحقیق حاضر مدد رساندند، اعلام می‌نمایم و از پروردگار مهربان خواستارم ایشان را به سلام و سعادت ابدی نایل فرماید إِنَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ.



تقديم به

اميدِ جان و جهان، نور هستی، ولی الله الاعظم حضرت مهدی
عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله من خير انصاره و
شیعته و المستشهدین بین یدیه



چکیده

هدف تحقیق حاضر، استنباط مسائل بنیادین «دانش مدیریت تفکر» از قرآن کریم است. این مسائل عبارتند از: ۱. چیستی و چگونگی فرآیند تفکر ۲. کیفیت تسلط بر تفکر و اداره‌ی آگاهانه و هدفمند آن. «علم» در قرآن کریم بر سه گونه است: ۱. علم حسی ۲. علم غیب ۳. علم فکری. با استناد به آیات مربوط به «علم فکری»، اثبات می‌شود:

۱. در ادبیات قرآن کریم سبب حصول علم فکری، حصول «تبیین» است.

۲. حصول «تبیین»، «سبب منحصر حصول علم فکری» است.

۳. تفکر نمودن - که سبب حصول علم فکری است - مصداق «تبیین» است.

در تحقیق حاضر پس از اثبات فرضیه‌ی «تفکر در ادبیات قرآن کریم = تبیین» با استناد به لوازم عقلی آیات، این فرضیه با استناد به دلالت لفظی آیات مشتمل بر ماده‌ی «تفکر» - یعنی با استظهار از آیات - به اثبات نهایی و به نصاب نظریه‌ای قرآنی درباره‌ی چیستی تفکر می‌رسد. در مرحله‌ی بعد، دیدگاه علامه طباطبایی درباره‌ی نقش ضروری «امثال» در تکوین «زبان»، به نظریه‌ی قرآنی «ابتنای شناخت ذهنی (= تفکر) بر نشانه‌ها (آیات، امثال)» ارتقاء می‌یابد و بر اساس آن، «چگونگی فرآیند تفکر»، تبیین می‌گردد و در نهایت نظریه‌ای جامع درباره‌ی «چیستی و چگونگی تفکر در لسان قرآنی» ارائه می‌گردد که پایان‌بخش نیمه‌ی نخست این تحقیق است. در نیمه‌ی دوم تحقیق حاضر «چیستی و چگونگی تفکر»، اساس استنباط «شروط تحقق تفکر» قرار می‌گیرد و بر مبنای این شروط، قاعده‌ای برای سنجش «میزان تفکرپذیری موجودات» تأسیس می‌گردد. بر اساس این قاعده که زیربنای نظری و راهنمای عملی مدیریت تفکر است می‌توان با افزودن و یا کاستن آگاهانه‌ی «امکان تفکر»، تفکر را مدیریت کرد و آن‌جا که «اندیشیدن» نافع است آن را تکثیر نمود و آن‌جا که غیر نافع است آن را تقلیل داد و یا از آن امتناع نمود. سرانجام پس از آن‌که ضروری‌ترین دانستنی‌ها درباره‌ی تفکر (چیستی و چگونگی تفکر، شروط تحقق تفکر، آثار و ثمرات تفکر، موانع و آفات تفکر و ...) از قرآن کریم استنباط شد و مبنای معرفتی لازم برای حل مسأله‌ی «چگونگی مدیریت تفکر» فراهم گشت، فصل آخر این تحقیق به تبیین این مسأله با تکیه بر آن شناخت‌های قرآنی می‌پردازد. در این فصل، چگونگی اداره‌ی آگاهانه و هدفمند تفکر، با تبیین رابطه‌ی «حواس و ذهن»، «ذهن و دل» و «ذهن و زبان» در پرتو آیات قرآن و بر مبنای معارفی از قرآن کریم که روشنگر رابطه‌ی «تقوا و تفکر»، «زهد و تفکر»، «ذکر و تفکر» و مانند آن است تبیین می‌گردد و با استناد به چیستی و چگونگی تفکر، اثبات می‌شود که «زبان قرآن» بهترین زبان برای «اندیشیدن» است.

فهرست

فهرست.....	۱
فصل اوّل: کلیّات تحقیق.....	۵
۱. تبیین مسأله.....	۶
۲. پرسش‌ها.....	۷
۲-۱. پرسش اصلی.....	۷
۲-۲. پرسش‌های فرعی.....	۸
۳. پیشینه‌ی مسأله.....	۸
۴. پیشینه‌ی تحقیق.....	۹
۵. ضرورت تحقیق.....	۱۰
۵-۱. ضرورت نظری.....	۱۰
الف. معنا شناسی.....	۱۱
ب. تفسیر.....	۱۱
ج. معرفت شناسی.....	۱۱
د. ذهن شناسی.....	۱۱
هـ. منطق.....	۱۱
و. عرفان نظری.....	۱۱
ز. عرفان عملی.....	۱۲
۵-۲. ضرورت عملی.....	۱۲
الف. تکمیل شیوه‌های منطقی در پاس‌داشت ذهن از خطا در تفکر.....	۱۲
ب. تقوا در تفکر.....	۱۲
ج. معرفه‌الله و توحید.....	۱۳
د. تبّیّل.....	۱۴
۶. هدف تحقیق.....	۱۴
۷. فرضیه‌ی تحقیق.....	۱۴
۸. گونه و روش تحقیق.....	۱۴
فصل دوم: اصطلاحات.....	۱۶
۱. تعریف "تفکر".....	۱۷
۱-۱. معنای "تفکر" در لغت و در قرآن کریم.....	۱۷
۱-۲. هدف از تبیین فرآیند تفکر.....	۱۷
۱-۳. "تفکر" در اصطلاح.....	۱۹
۱-۴. نسبت معنای لغوی و اصطلاحی "تفکر".....	۲۱
۲. تصادق "تفکر" و "تذکر" در قرآن کریم.....	۲۱
۲-۱. "ذکر" در لغت.....	۲۲

- ۲۲-۲. "ذکر" در قرآن کریم ۲۳
- ۲۳-۲. "تذکر" در لغت ۲۴
- ۲۴-۲. "تذکر" در قرآن کریم ۲۴
۳. تعریف مدیریت ۲۶
- ۳-۱. "مدیریت" در لغت ۲۶
- ۳-۲. "مدیریت" در اصطلاح ۲۷
۴. تعریف مدیریت تفکر ۲۷
۵. تعریف "مدیریت تفکر" در پرتو قرآن ۲۸
- فصل سوم: مبانی معرفتی "تفکر" ۲۹
۱. چیستی فرآیند تفکر، از منظر قرآن کریم ۳۰
- ۱-۱. گونه‌های آگاهی ۳۰
- الف. علم حسی ۳۰
- ب. علم غیب ۳۱
- ج. علم فکری ۳۲
- تذکار ۳۳
- ۱-۲. بررسی آیات مربوط به "علم فکری" ۳۴
- الف. "تبیین"، سبب رهیافت ذهن به "علم فکری" ۳۴
- ب. "تبیین"، زمینه‌ساز حصول "یقین" ۳۶
- ج. "تفصیل"، زمینه‌ساز حصول "علم" ۳۶
- د. "تفصیل"، زمینه‌ساز حصول "یقین" ۳۶
- هـ. "تبیین"، کنایه از "حصول علم" ۳۷
- و. "حصول علم"، نتیجه‌ی "حصول تبیین" ۳۸
- مقایسه‌ی وجوه مذکور در معنای آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی توبه ۴۱
- ز. "عدم علم"، نتیجه‌ی "عدم تبیین" ۴۳
- ح. "تبیین"، سبب منحصر "علم فکری" ۴۵
- ۱-۳. استنباط چیستی تفکر از آیات ۴۵
- ۱-۴. هدف از تعریف تفکر، به وسیله‌ی مفهوم قرآنی "تبیین" ۴۶
- ۱-۵. استظهار چیستی تفکر از آیات (ظهور "تفکر" و "تذکر" در معنای "تبیین") ۴۶
- الف. تقابل "تفکر" با "تسویه" ۴۶
- ب. تقابل "تذکر" با "تسویه" ۴۸
- ج. تقابل "تذکر" با "تشبیه" ۴۸
- د. "تفکر"، عدل "تبیین" ۴۹
- هـ. تفکر، "تبیین حق از باطل" ۵۰
۲. چگونگی فرآیند تفکر، از منظر قرآن کریم ۵۳
- ۲-۱. "تصریف"، مقتضی "تفکر" ۵۴

- ۲-۲. "تبیین الایات" و "تفصیل الایات"، زمینه‌ساز "تفکر" ۵۶
- ۲-۳. "قَصُّ الْقَصَصِ" و "توصیل القول"، زمینه‌ساز "تفکر" ۵۸
- ۲-۴. "ضرب الأمثال"، مقتضی "تفکر" ۶۰
- ۲-۵. کیفیت تبیین حق از باطل به وسیله "أمثال" ۶۲
۳. بیان جامع قرآنی در چیستی و چگونگی تفکر ۶۴
۴. شروط تحقق تفکر ۶۸
- ۴-۱. وجود امثال و آیات (نشانه‌ها) ۶۹
- ۴-۲. تمایز نشانه‌ها ۷۰
- ۴-۳. توجه به نشانه‌ها ۷۱
۵. قلمرو امکان تفکر و سنجش میزان تفکرپذیری موجودات ۷۴
۶. آثار و ثمرات تفکر ۷۴
- ۶-۱. آثار و ثمرات تفکر از منظر آیات ۷۴
- ۶-۲. تقسیم آثار تفکر ۷۵
- ۶-۳. حصول علم، هدف ذاتی و بی‌واسطه‌ی تفکر ۷۶
- ۶-۴. اثر قلبی تفکر ۷۶
- تفکر، عبادت بی‌بدیل ۷۷
- تفکر هنگام نماز ۷۸
- ۶-۵. آثار عملی تفکر ۷۹
۷. حدود ارزشی تفکر (بایدها و نبایدهای تفکر) ۸۱
۸. موانع و آفات تفکر ۸۳
- ۸-۱. موانع و آفات درونی ۸۳
- الف. تسویل نفس ۸۳
- ب. آمال و خواسته‌های دنیوی ۸۴
- ج. تبعیت از ظن و تخمین ۸۵
- د. تکبر ۸۵
- هـ. تعصب و تقلید بی‌تحقیق از اعمال، عقاید، آیین و سنت‌های پدران و گذشتگان ۸۷
- ۸-۲. موانع و آفات بیرونی ۸۷
- الف. شیطان ۸۷
- ب. اکثریت ۸۸
- ج. حاکمان فاسد ۸۸
- فصل چهارم: ارکان و اهداف مدیریت تفکر ۹۰
۱. ارکان مدیریت تفکر ۹۱
۲. اهداف مدیریت تفکر ۹۱
۳. نسبت میان "اهداف مدیریت تفکر" و "اهداف تفکر نافع" ۹۲

۹۴	فصل پنجم: چگونگی مدیریت تفکر.....
۹۵	۱. استفاده از رابطه‌ی "حواس" و "ذهن".....
۹۶	۲. استفاده از رابطه‌ی "ذهن" و "دل".....
۱۰۰	۳. استفاده از رابطه‌ی "ذهن" و "زبان".....
۱۰۲	۴. "تقوا" و "تفکر".....
۱۰۳	۵. "زهد" و "تفکر".....
۱۰۴	۶. "نفس ستیزی" و "تفکر".....
۱۰۷	۷. "شیطان‌گریزی" و "تفکر".....
۱۰۷	۷-۱. ایمان و توکل.....
۱۰۷	۷-۲. عبودیت.....
۱۰۸	۷-۳. تفکر به اقتضای تقوا.....
۱۰۸	۴ - ۷. استعاذه.....
۱۰۹	۸. مدیریت تفکر با عمل به دستور ﴿لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾.....
۱۱۰	۹. ارتقاء "زبان تفکر".....
۱۱۲	۱۰. "پرسش"، وسیله‌ی "انگیزش" و "جهت‌بخشی" تفکر.....
۱۱۴	۱۱. "ذکر"، وسیله‌ی "انگیزش"، "تکثیر"، "تقلیل"، و "اسکات" تفکر.....
۱۱۵	۱۱-۱. ذکر، زمینه‌ساز تکثیر تفکر.....
۱۱۶	۱۱-۲. "ذکر": مهار تفکر، طریق "بتل".....
۱۱۷	۱۱-۳. "تکبیر"، "تسبیح" و "سکوت اندیشه".....
۱۱۸	۱۲. قراءت قرآن کریم.....
۱۲۱	خاتمه.....
۱۲۲	خلاصه‌ی تحقیق.....
۱۲۴	استنتاج کلی.....
۱۲۷	پیشنهادها.....
۱۲۸	فهرست منابع.....

فصل اوّل: كليّات تحقيق

۱. تبیین مسأله

“حقیقت جویی” از بارزترین گرایش‌های فطری انسان است. انسان فطرتاً می‌خواهد هستی و هر چه که هست را، بشناسد. از دیدگاه قرآنی برای نیل^۱ به هدف شناخت، سه راه وجود دارد^۲:

۱. احساس نمودن (به کار انداختن حواس)

۲. تفکر نمودن (به کار انداختن ذهن)

۳. شهود قلبی نمودن (به کار انداختن دل)^۳

انسان به طور خداداد قادر است بیندیشد و با تفکر درست به دریافت نظری حقایق^۴، علم به مجهولات، رهایی از شک و ظن و نیل به یقین، بار یابد؛ اما “اندیشیدن” فعلی است اختیاری که چه بسا در مسیر کشف مجهولات و شناخت نظری حقایق، ره به خطا رود، یا گاه سد راه ادراک بی‌واسطه‌ی حقیقت گردد. نیل به معرفت نظری صائب که حاصل تفکر صحیح است و نیل به معرفت قلبی

۱. شریف‌ترین نوع شناخت، شناخت و حیانی حقایق است و آن معرفت، موهبتی خارج از اختیار است که آفریدگار هستی به قلوب بندگان صالح القاء می‌کند، قلب‌های مطهری که تاب تلقی وحی آسمانی از جانب حق متعال را دارا باشند.

۲. پس از این با ارائه‌ی آیات مربوط به “علم”، نشان داده خواهد شد که در لسان قرآنی علم بر سه گونه است: علم حسّی، علم غیب و علم فکری؛ رک: همین نوشتار، ص ۳۰ به بعد.

۳. از جمله آیاتی که برای انسان ادراکی برتر از احساس و اندیشه ثابت می‌کند آیه‌ی ۱۸۳ سوره‌ی آل‌عمران است:

﴿شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾

«خداوند با قیام به عدل شاهد است که هیچ‌خدایی جز او نیست و فرشتگان و صاحبان دانش [نیز شاهدند]: نیست‌خدایی جز آن عزیز حکیم»

آن‌چه این آیه‌ی شریفه به “أُولُو الْعِلْمِ: صاحبان علم” – که مصداق اتم ایشان محمد و آل او «صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ» هستند – نسبت می‌دهد “شهود وحدت حق متعال” است که نه با حواس و ذهن، بلکه با “قلب” تحقق‌پذیر است و آن مرتبه‌ای است که دین مبین اسلام همه‌ی انسان‌ها را مستحق نیل به آن شمرده است و با اساسی‌ترین تشریح خود یعنی تشریح “نماز”، همگان را دعوت نموده است که مرتبه‌ی ادراک خویش را از سطح احساس و تفکر تا درجه‌ی رفیع “شهادت”، که مرتبه‌ی شهود قلبی حق است ترفیع دهند. [تذکر: نظر به آن‌که ادای شهادت مسبوق به تحمّل شهادت است، از ادای شهادت اولو العلم در آیه‌ی فوق، بر تحمّل شهادت ایشان نسبت به وحدت حق متعال استدلال می‌شود].

۴. دریافت حقیقت به وسیله و واسطه‌ی تفکر را، دریافت نظری حقیقت گویند.

بی‌واسطه‌ی تفکر که محتاج مهار توجه به اندیشیدن است، هر دو در گرو "اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن خویش" است.

"مدیریت تفکر" به معنای "اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن خویش"، محتاج آگاهی‌های گوناگون است که ضروری‌ترین آن‌ها عبارت است از آگاهی به:

۱. چیستی و چگونگی فرآیند تفکر

۲. کیفیت تسلط بر تفکر و اداره‌ی آگاهانه و هدفمند آن

۳. اهداف مدیریت تفکر

مجموعه‌ی این دانستنی‌ها که توان "اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن خویش" در گرو آنهاست "دانش مدیریت تفکر" نامیده می‌شود، دانشی که پرده از چیستی و چگونگی فرآیند تفکر برمی‌دارد و کیفیت تسلط بر تفکر و اداره‌ی آگاهانه و هدفمند آن را به انسان می‌آموزد. هدف تحقیق حاضر، اقتباس^۱ مسائل بنیادین "دانش مدیریت تفکر" از قرآن کریم است.^۳

۲. پرسش‌ها

تحقیق حاضر برای پاسخ به پرسشی اصلی که به چند پرسش فرعی تحلیل می‌شود انجام می‌پذیرد:

۲-۱. پرسش اصلی

"مدیریت تفکر در پرتو قرآن" به چه معناست و چگونه انجام می‌شود؟

۱. "مدیریت تفکر" به طور مطلق، به معنای "اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن" است، چه اندیشیدن خویش، چه اندیشیدن دیگر انسان‌ها؛ اما مأخذ اصلی دانستنی‌های لازم برای مدیریت تفکر دیگر انسان‌ها، دانش مدیریت تفکر خویش است، چنان‌که در مقام عمل نیز تنها راه برای کسب توان در اداره‌ی تفکر دیگران، آزمودگی عملی در اداره‌ی مبتنی بر دانش و هدفمند اندیشیدن خویش است. بر این اساس در این نوشتار، "مدیریت تفکر" به معنای "اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن خویش" مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲. "اقتباس" از ریشه‌ی "قبس: شعله‌ی بر گرفته از آتش بزرگ"، در اصل به معنای "اخذ شعله و نور از منبع آتش" است که به معنای "اخذ علم از منبع علم" به کار می‌رود (رک: *لسان العرب*، محمد بن مکرّم ابن منظور، بیروت، دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۶، ص ۱۶۷، ذیل [قبس]) و رک: *فرهنگ عمید*، حسن عمید، تهران، ناشر: مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم: ۱۳۶۵ش، ذیل [اقتباس]).

۳. قرآن که به حق از جانب آفریدگار انسان نازل گشته است و همو آن را از هر گونه تحریف محفوظ داشته است، بهترین کتاب برای شناخت و هدایت همه‌ی مراتب وجودی و ادراکی انسان به سوی سعادت جاودان است.

۲-۲. پرسش‌های فرعی

۱. "تفکر" از منظر قرآن چیست و چگونه انجام می‌شود؟
۲. شروط تحقق تفکر کدامند؟
۳. قلمرو امکان تفکر تا چه حد است؟
۴. آثار تفکر، کدامند؟
۵. حدود ارزشی اندیشیدن (بایدها و نبایدهای اندیشیدن) چگونه تعیین می‌شود؟
۶. موانع و آفات تفکر کدام است؟
۷. "مدیریت تفکر" به چه معناست؟
۸. ارکان و اهداف مدیریت تفکر کدام است؟
۹. اهداف مدیریت تفکر چیست و چگونه تعیین می‌شود؟
۱۰. چه نسبتی میان "اهداف مدیریت تفکر" و "اهداف تفکر" برقرار است؟
۱۱. چگونه می‌توان با دانش قرآنی بر تفکر تسلط یافت و آن را آگاهانه و هدفمند اداره نمود؟

۳. پیشینه‌ی مسأله

به شهادت قرآن کریم، اصیل‌ترین علوم تربیتی علمی است که پیام‌آوران پروردگار انسان و جهان از بدو هبوط حضرت آدم علیه السلام - یعنی سرآغاز تاریخ زندگی زمینی انسان - به تعلیم و تبلیغ آن پرداخته‌اند. دانش مدیریت تفکر از علوم تربیتی است، لذا سابقه‌ای جدا از تعالیم انبیاء ندارد.

«تربیت، محصول مراقبتی است که از نشو و نمای آدمیزاده در جریان رشد وی، یعنی سیر به‌سوی کمال به عمل می‌آید». به بیان دیگر: «تربیت، سرپرستی از جریان رشد، یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن شرایط مساعد برای رشد است»^۱. مراد از «علوم تربیتی»، علمی است که به انسان شیوه‌های شکوفاسازی و رشد استعدادهای انسانی را می‌آموزد. بر این اساس، دانش مدیریت تفکر از علوم تربیتی است زیرا شیوه‌های شکوفاسازی و رشد استعدادهای ذهنی و قلبی را به انسان می‌آموزد.

خداوند متعال در آیه‌ی ۲۵ از سوره‌ی حدید، هدف از فرستادن رسولان خود و فروفرستادن علوم آسمانی و میزان تشخیص حقایق را، رسیدن انسان‌ها به مرتبه‌ای از رشد می‌داند که با علم و اختیار،

۱. تعلیم و تربیت و مراحل آن، غلام‌حسین شکوهی، ص ۶.

«قسط» (عدل) را به پا دارند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...؛ هَمَانَا فرستادگانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و همراه آنان کتاب و ترازو نازل نمودیم تا مردم عدل را اقامه نمایند﴾ حدید(۵۷)/۲۵

اما تردیدی نیست که آدمی پس از درک حسن عدالت، برای رسیدن به مرتبه‌ای از رشد که بتواند عدل را به طور همه جانبه در همه‌ی افعال فردی و اجتماعی تحقق بخشد، راهی جز شناخت و پرورش قوای ادراک و عمل خویش و تحت اختیار درآوردن این قوا پیش رو ندارد زیرا تحقق عدل، افزون بر علم به تعالیم فرستادگان خدا - که در آیه‌ی مذکور «کتاب و میزان» خوانده شده - در گرو توان به کار اندازی این قوا مطابق این تعالیم است؛ لذا «کتاب و میزان» اگر نتواند انسان‌ها را به درجه‌ای از آگاهی نسبت به خویش نایل کند که بتوانند بر قوای ادراک و عمل خویش تسلط یابند و آن‌ها را آگاهانه و از روی اختیار بر اساس ملاک‌های الهی به کار گیرند، برای ترتب «قیام مردم به قسط» بر «ارسال رسولان و نازل نمودن کتاب و میزان» در این آیه، معنایی معقول متصور نخواهد بود.

به طور خلاصه: از آیه‌ی ۲۵ سوره‌ی حدید استنباط می‌شود تعالیم انبیاء الهی: «کتاب و میزان»، محتوی دانشی است که انسان‌ها را به درجه‌ای از آگاهی، خودشناسی و تسلط بر خویش می‌رساند که بتوانند «قسط» را در همه‌ی افعال فردی و اجتماعی تحقق بخشند. دانش چگونگی تسلط بر اندیشیدن و اداره‌ی آگاهانه و هدفمند آن، یعنی «دانش مدیریت تفکر» نیز بخشی از این تعالیم است.

۴. پیشینه‌ی تحقیق

درباره‌ی «شناخت» و نیز «تفکر» از دیدگاه قرآن کریم، تاکنون آثار متعددی نگاشته شده است؛ از جمله کتاب‌ها: الف. شناخت از دیدگاه علمی و از دیدگاه قرآن، اثر استاد علامه محمد تقی جعفری؛ ب. شناخت از دیدگاه قرآن، اثر شهید آیه الله دکتر بهشتی؛ ج. مسأله‌ی شناخت، اثر استاد شهید مرتضی مطهری؛ د. شناخت شناسی در قرآن، اثر آیه الله جوادی آملی؛ ه. تفکر در قرآن، گرد آمده‌ی مطالبی چند از تفسیر المیزان درباره‌ی موضوع تفکر؛ و قرآن و روان شناسی، اثر دکتر محمد عثمان نجاتی، ترجمه‌ی عباس عرب، فصل چهارم؛ و ... از جمله پایان‌نامه‌ها: الف. ارزش تعقل و تفکر از دیدگاه کتاب و سنت، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، اثر هاجر کرمانی؛ ب. ارزش تفکر در قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، اثر مهوش آل بویه؛ و ... اما این آثار به‌طور کلی به طرح مباحث معرفت شناسانه پرداخته‌اند و نگارنده درباره‌ی «مدیریت تفکر» از دیدگاه قرآن کریم اثری نیافت.

۵. ضرورت تحقیق

با وجود آثار متعددی که به بیان ارزش اندیشیدن، ضرورت تفکر، ثمرات اندیشیدن و مضرات عدم آن و نیز اسباب ایجاب و سلب تفکر درست از منظر قرآن کریم و روایات معصومان پرداخته‌اند، هنوز دو مسأله‌ی اساسی به جد محتاج طرح و تحقیق است:

مسأله‌ی نخست آن که موضع قرآن کریم در قبال چیستی و چگونگی اندیشیدن چیست؟ آیا چنان که برخی صاحب نظران - مانند علامه طباطبایی در تفسیر المیزان - قایلند، قرآن کریم در عین دعوت و تشویق به اندیشیدن درست، از بیان چیستی و چگونگی تفکر ساکت است و پاسخ به این مسأله که «هذا الطريق [التفکر] الذی نعرفه بحسب فطرتنا الإنسانیة ما هو؟» را به عقول فطری آدمیان إحاله نموده است؟^۱ یا آن که با استنتاج روشمند آیات می توان به تبیین قرآن کریم نسبت به این مسأله که «التفکر ما هو و کیف یتحقق: تفکر چیست و چگونه انجام می شود» نایل شد؟

مسأله‌ی دوم آن که قرآن کریم درباره‌ی کیفیت تسلط بر تفکر و اداره‌ی آگاهانه و هدفمند آن، حاوی چه آموزه‌هایی است؟

تحقیق درباره‌ی دو مسأله‌ی فوق از دو بعد نظری و عملی ضروری به نظر می‌رسد:

۵-۱. ضرورت نظری

تحقیق قرآنی درباره‌ی چیستی و چگونگی تفکر، تفهم و حصول علم فکری و چگونگی مدیریت تفکر، راه‌گشای تنقیح مبانی نظری علوم متعددی از منظر قرآن کریم است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. علامه طباطبایی ذیل عنوان «کلام فی طریق التفکر الذی یهدی إلیه القرآن و هو بحث مختلط» در تفسیر المیزان می‌گوید حیات انسانی حیاتی فکری است و تردیدی در دعوت قرآن کریم به فکر صحیح نیست، امّا: «... لم یعین فی الكتاب العزیز هذا الفکر الصحیح القیم الذی یندب إلیه إلا أنه أحوال فیہ إلی ما یرفہ الناس بحسب عقولهم الفطریة، و إدراکهم المركوز فی نفوسهم: در [این] کتاب عزیز، این فکر صحیح استوار را که به سویی فرامی‌خواند تعیین نکرده است و آن را به معرفتی که انسان‌ها با عقل فطری و ادراک ثابت در درون خود نسبت به آن دارند إحاله نموده است؛ سپس جناب علامه با طرح این مسأله: «امّا أن هذا الطريق [التفکر] الذی نعرفه بحسب فطرتنا الإنسانیة ما هو؟: امّا این که این راه [اندیشیدن] که با فطرت انسانی خود به آن معرفت داریم چیست؟» خود به پاسخ آن پرداخته است (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۵۵ و ۲۵۶).

الف. معنا شناسی

با بررسی و شناخت شیوه‌هایی که قرآن کریم برای "تفهیم" به کار بسته است راه برای شناخت کیفیت "تفهیم" و کیفیت حصول مفاهیم و معانی هموار می‌شود و زمینه برای شناخت چستی معنا و سایر احکام آن از دیدگاه قرآن فراهم می‌گردد.

ب. تفسیر

شناخت شیوه‌هایی که قرآن کریم برای "تفهیم" به کار بسته است راهی روشن برای استنباط مبانی دانش تفسیر از قرآن کریم است. اگر روش فهم و تفسیر قرآن برگرفته از شیوه‌های تفهیمی قرآن کریم باشد، حجیت آن مبتنی بر متن قرآن خواهد بود.

ج. معرفت شناسی

کیفیت حصول علم فکری و شناخت ذهنی با تحقیق درباره‌ی چستی و چگونگی تفکر، تبیین می‌شود لذا تحقیق درباره‌ی چستی و چگونگی تفکر از منظر قرآن کریم راه‌گشای تبیین مبانی معرفت‌شناسی از دیدگاه قرآن کریم است.

د. ذهن شناسی

ذهن به عنوان مرتبه‌ای از مراتب ادراکی انسان که از سویی با حواسّ ظاهری و از دیگر سو با "قلب" در تعامل است دارای افعال گوناگون از قبیل تفکر، تخیل و ... است. شناخت چستی و چگونگی تفکر راه‌گشای شناخت ذهن به واسطه‌ی شناخت مهم‌ترین عمل آن - یعنی اندیشیدن - است.

هـ. منطق

دانش منطق دانشی است که برای حفظ ذهن از خطا در اندیشیدن تألیف شده است. تحقیق قرآنی در چستی و چگونگی تفکر، راه‌گشای تبیین مبانی علم منطق از منظر قرآن کریم است.

و. عرفان نظری

دانش عرفان نظری متکفل تبیین یافته‌های شهودی انسان عارف است. در این دانش عارف تلاش می‌نماید آنچه را با قلب خویش به علم حضوری شهود نموده به قالب ذهن تنزیل دهد و با علم حصولی تبیین نماید تا دیگران بتوانند به آنچه او با شناخت شهودی یافته است شناخت ذهنی یابند. با این بیان روشن می‌شود که تحقیق درباره‌ی کیفیت حصول علم فکری و شناخت ذهنی از منظر قرآن کریم راه‌گشا بلکه بهترین راه برای تبیین مبادی عرفان نظری خواهد بود زیرا قرآن کریم که تنزیل ربّ العالمین است،

مآخذی بی‌نظیر برای اخذ شیوه‌ی تنزیل یافته‌های قلبی در ظرف ذهن و زبان است.

ز. عرفان عملی

دانش عرفان عملی متکفل بیان راه و روش عملی سلوک الی‌الله و نیل به شهود حضرت حق - جل و علا - و انقطاع به سوی اوست. شهود قلبی خدای یگانه در گرو مدیریت تفکر و مهار اندیشه است زیرا مادام که قلب در بند توجه به ذهن و تفکر است در اقبال به کثرات و اعراض از وحدت به سر می‌برد و با اعراض قلبی از خدای احد و احد، شهود او ناممکن است. بر این اساس، تحقیق در چگونگی مدیریت تفکر از منظر قرآن کریم، راه‌گشای تبیین مبانی (نظری و عملی) عرفان عملی از منظر قرآن کریم است.

۲-۵. ضرورت عملی

تحقیق قرآنی درباره‌ی چیستی و چگونگی تفکر، تفهم و حصول علم فکری و چگونگی مدیریت تفکر، راهنمای عملی برای نیل به ضروری‌ترین کمالات انسانی با هدایت‌های قرآنی است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف. تکمیل شیوه‌های منطقی در پاس‌داشت ذهن از خطا در تفکر

«تولید علم نافع» حاصل تفکر صحیح است. علمای منطق برای پاس‌داشت تفکر از خطا، به تدوین علم منطق به عنوان «علمی که مراعاتش ذهن را از خطا در اندیشیدن مصون می‌دارد» پرداخته‌اند اما برای حفظ ذهن از خطا در تفکر، افزون بر معلومات منطقی که منحصراً معلوماتی ذهن‌شناسانه است شناخت دو مرتبه‌ی دیگر ادراکی انسان یعنی «حواس» و «قلب» و شناخت کیفیت تعامل حواس، ذهن و قلب با یکدیگر ضروری است و بدون شناخت و به‌کارگیری تعامل ذهن با حواس و تعامل ذهن با قلب، حفظ ذهن از خطا در اندیشه امری ناممکن به نظر می‌رسد. بر این اساس تحقیق درباره‌ی چگونگی مدیریت تفکر با تکیه بر تعامل رئوس مثلث ادراکی انسان: حواس قلب ذهن برای تکمیل شیوه‌های منطقی پاس‌داشت ذهن از خطا در تفکر امری ضروری است.

ب. تقوا در تفکر

قرآن کریم ارزشمندی افعال اختیاری انسان را مقید به ملاکی مطلق نموده‌است و آن «تقوا» است. تقواست که در هر کاری سبب نیل به کرامت نزد خداست:

﴿...إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ ... ؛ همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا باتقواترین شماست﴾

الحجرات (۴۹) / ۱۳

از قرآن کریم چنین استفاده می‌شود که بدون تقوا هیچ کار اختیاری، واجد ارزش الهی نیست زیرا فاقد ملاک قبول نزد خداست:

﴿...إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ خدا فقط از تقوایبندگان می‌پذیرد﴾ المائدة (۵) / ۲۷

و با کاری که فاقد ارزش الهی است نمی‌توان به کمال انسانی رسید. تفکر نیز در حیطه‌ی این حکم فراگیر است. تفکر آلوده به بی‌تقوایی، یعنی اندیشیدنی که در آن "حدود الهی اندیشیدن" رعایت نشود، فاقد ارزش حقیقی است و هرگز سبب نیل به کمال انسانی نخواهد بود.

"تقوا در تفکر" - یعنی مهار تفکر و رعایت حدود الهی اندیشیدن - بدون "مدیریت تفکر" ناممکن است.

ج. معرفه الله و توحید

بیان نخست: شهود وحدت حق، بلکه شهود حق متعال^۱ در گرو عدم توجه به کثرات است.^۲ از طرفی، تفکر فعلیست که تحققش محتاج توجه به نشانه‌های متعدّد (آیات متعدّد) است، زیرا چنان‌که بیان خواهد شد، تفکر همان تبیین حقیقت شیء به وسیله‌ی آیات گوناگون آن است؛ لذا نیل به مقام توحید - یعنی شهود حق متعال - در گرو انصراف و یا امتناع ارادی از تفکر است، و امتناع ارادی از تفکر جز با مدیریت تفکر ناممکن است. حاصل آن‌که نیل اختیاری به مقام توحید یا همان شهود قلبی حق متعال، در گرو مدیریت تفکر است.

بیان دوم: معرفت حضرت حق - جلّ و علا - که مساوق توحید است^۳ معرفتی قلبی و فراذهنی است؛ زیرا ذهن، عاجز از شناخت خداست. از طرفی، بدون مهار تفکر و توجهات ذهنی، معرفت قلبی شهودی خدای یگانه ناممکن است؛ لذا نیل به معرفه الله و توحید شهودی که حقیقت توحید است، در گرو مدیریت تفکر است.

۱. از حضرت علی (علیه السلام) درباره‌ی معرفه الله و توحید روایت شده: «... مَعْرِفَتُهُ تَوْحِيدُهُ...». این جمله دال بر تساوق

معرفت و توحید حضرت حق - جلّ و علا - است؛ (بحار الأنوار، ج ۴، ص ۲۵۳).

۲. این حقیقتیست که می‌توان با آیه شریفه‌ی «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ...» احزاب (۳۳) / ۸ بر آن استدلال نمود.

۳. رک: پاورقی شماره ۱.

د. تبّتل

برترین کمال انسانی، انقطاع از ماسوی الله به سوی الله تبارک و تعالی است که قرآن کریم آن را "تبّتل" خوانده است و تبّتل به سوی حضرت حقّ - جلّ و علا - در گرو مهار تفکر است؛ زیرا "تبّتل" انقطاع توجّه از ماسوی الله به سوی الله تبارک و تعالی است و تفکر در گرو توجّه به ماسوی الله است. شرط تحقّق تفکر، توجّه به معلومات ذهنی است، و توجّه به معلومات ذهنی توجّه به ماسوی الله است؛ زیرا خداوند از آنچه در ذهن آید، برتر است. کوتاه سخن: نیل به مقام "تبّتل" در گرو "مدیریت تفکر" است.

۶. هدف تحقیق

هدف تحقیق حاضر، استنباط و ارائه‌ی پاسخ قرآن کریم به دو مسأله‌ی بنیادین دانش مدیریت تفکر است:

۱. تفکر چیست و چگونه انجام می‌شود؟
۲. چگونه می‌توان بر تفکر تسلط یافت و آن را به طور آگاهانه و هدفمند اداره نمود؟

۷. فرضیه‌ی تحقیق

مراد از مدیریت تفکر در پرتو قرآن، «اداره‌ی آگاهانه و هدفمند اندیشیدن خویش بر اساس دانش مأخوذ از قرآن کریم» است. با تبیین و به‌کارگیری رابطه‌ی "حواس و ذهن"، "ذهن و دل" و "ذهن و زبان" در پرتو آیات قرآن و بر مبنای معارفی از قرآن کریم که روشنگر رابطه‌ی "تقوا و تفکر"، "زهد و تفکر"، "ذکر و تفکر" و مانند آن است می‌توان بر تفکر تسلط یافت و اندیشیدن را به‌طور آگاهانه و هدفمند اداره نمود.

۸. گونه و روش تحقیق

تحقیق حاضر در پی تحقّق دو هدف کلی است؛ نخست: استنباط و استظهار چستی و چگونگی تفکر از قرآن کریم، دوم: استنباط چگونگی اداره‌ی آگاهانه و هدفمند تفکر بر اساس دانسته‌هایی که نسبت به تفکر - به‌ویژه نسبت به چستی و چگونگی تفکر - از قرآن کریم استنباط شده است. بخشی از این تحقیق که در پی استنباط و استظهار چستی و چگونگی تفکر از قرآن کریم رقم

خورده است از گونه‌ی «تحقیقات بنیادی نظری» است که اطلاعات و مواد اولیه‌ی تحلیل در آن، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده و به شیوه‌های مختلف استدلال، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

بخش دیگر این تحقیق که در پی استنباط چگونگی اداره‌ی آگاهانه و هدفمند تفکر است را می‌توان هم از گونه‌ی «تحقیقات بنیادی نظری» و هم از نوع «تحقیقات کاربردی» به شمار آورد؛ زیرا از طرفی مانند بخش نخست به روش کتابخانه‌ای و با گردآوری و تجزیه و تحلیل آیات به حلّ مسأله‌ی چگونگی مدیریت تفکر پرداخته است و از طرفی دیگر در این بخش تلاش شده است که با استفاده از بستر شناختی معلوماتی که در بخش نخست درباره‌ی تفکر و چستی و چگونگی آن از قرآن کریم استنباط و استظهار شده، کیفیت تسلط بر تفکر و اداره‌ی هدفمند آن تبیین شود.^۱

از منظری دیگر مجموع تحقیق حاضر را می‌توان از گونه‌ی «تحقیقات توصیفی تحلیل محتوا» به شمار آورد؛ زیرا به‌طور کلی به تجزیه و تحلیل و توصیف مفاهیم قرآنی به صورت نظام‌دار پرداخته است.^۲

تحقیق حاضر به‌طور مشخص‌تر نخست به تعریف مسأله‌ی «چستی و چگونگی تفکر از منظر قرآن کریم» می‌پردازد و سپس با گردآوری، طبقه‌بندی و تجزیه و تحلیل عناصر و مطالب مربوط به این مسأله، اقدام به ارائه‌ی «نظریه‌ای قرآنی درباره‌ی چستی و چگونگی تفکر» بر مبنای استنباط و استظهار از آیات می‌نماید و سپس بر اساس این نظریه، به حلّ مسأله‌ی «چگونگی اداره‌ی آگاهانه و هدفمند تفکر از منظر قرآن کریم» می‌پردازد.

تحقیق حاضر بر اساس گردآوری، مقایسه و تبیین آیات قرآنی مربوط به «علم» و «تفکر» به شیوه‌ی تفسیر موضوعی انجام پذیرفته است و برای استنباط چستی و چگونگی تفکر و کیفیت تسلط بر تفکر، به «ظواهر» و نیز «لوازم عقلی» آیات الهی استناد شده است. در این تحقیق، با بررسی و شناخت شیوه‌هایی که قرآن کریم برای «تفهیم» به کار بسته است، راه برای شناخت ماهیت و کیفیت «تفهیم» و «تفکر» هموار گشته، و شناخت چستی و چگونگی «تفهیم» و «تفکر»، زمینه‌ساز کشف کیفیت حصول «مفاهیم»، «معانی» و «علوم» گردیده است و با تکیه بر این شناخت‌ها، شیوه‌هایی قرآنی برای اداره‌ی آگاهانه و هدفمند تفکر ارائه شده است.

۱. رک: مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی، محمدرضا حافظ‌نیا، تهران، سمت، چاپ پنجم ۱۳۸۱ ش، ص ۴۰

و ۴۱: «تعریف تحقیقات بنیادی و تحقیقات کاربردی».

۲. رک: همان، ص ۵۱ و ۵۲: «تعریف تحقیق توصیفی تحلیل محتوا».

فصل دوم: اصطلاحات

۱. تعریف "تفکر"

۱-۱. معنای "تفکر" در لغت و در قرآن کریم

اهل لغت "تفکر" نمودن را به معنای: تأمل نمودن^۱، به کار انداختن ذهن درباره‌ی چیزی^۲، مرتب‌سازی چند امر در ذهن برای رسیدن به مطلوبی که یا "علم" است و یا "ظن"^۳ دانسته‌اند. بررسی کتاب‌های لغت و نیز موارد استعمال، نشان می‌دهد "فکر" و "تفکر" نمودن - که از آن در فارسی به "اندیشیدن" تعبیر می‌شود - در زبان عربی به معنای «تلاش ذهنی برای کسب آگاهی از آگاهی» است. در قرآن کریم نیز هر جا ماده «ف ک ر» به کار رفته، ظهور این معنا تردیدناپذیر است^۴.

۱-۲. هدف از تبیین فرآیند تفکر

تفکر نمودن، عملی ذهنی است که انسان به آن بدون واسطه‌ی مفاهیم، آگاهی حضوری دارد، زیرا یکی از افعال نفس است^۵ و معنای "تفکر" در لغت و اصطلاح، چیزی جز انعکاس این فرآیند ذهنی در ذهن نیست. معنای تفکر، تصویری است که ذهن از عملی که خودش آن را انجام می‌دهد اخذ می‌کند. با

۱. الصحاح، تاج اللغة و صحاح العربیة، ذیل [ف ک ر].

۲. لسان العرب، ذیل [فکر].

۳. محیط المحيط و مجمع البحرین، ذیل [ف ک ر].

۴. در قرآن کریم ماده‌ی "ف ک ر" در هجده جا - یک جا به شکل "فکر"، یک جا به شکل "تفکروا"، دو جا به شکل "یتفکروا"، سه جا به شکل "تتفکرون"، و یازده جا به شکل "یتفکرون" - و در همه‌ی موارد، به معنای لغوی «تلاش ذهنی برای کسب آگاهی از آگاهی» به کار رفته است.

۵. علم به معلوم، اگر با واسطه‌ی صورت ذهنی معلوم حاصل شود، علم حصولی نامیده می‌شود، اما اگر بی‌واسطه‌ی مفاهیم ذهنی، با حضور خود معلوم نزد نفس موجود باشد، علم حضوری نامیده می‌شود (رک: المنطق، شیخ محمدرضا مظفر، ص ۱۳، پاورقی عنوان "العلم").

این وجود، فایده‌ی تصویر و تبیین نمودن "فرآیند ذهنی تفکر"، به رغم آن که حقیقت این فعل باطنی، بی‌واسطه‌ی صورت‌ها و مفاهیم برای آدمی معلوم است، تشدید توجه به ابعاد گوناگون آن و در نتیجه توسعه‌ی علم حضوری تا ابعادی از "فعل باطنی تفکر" است که انسان در صورت عدم توجه، از ادراک و اعمال اختیار آگاهانه نسبت به آن محروم خواهد ماند.^۱

در راه فایق آمدن بر تحولات و دگرگونی‌های باطنی - تحولاتی که مطلوب باشند یا نامطلوب، به ظاهر خارج از اختیار آدمی، درون او جریان می‌یابند^۲ - مرحله‌ی نخست، شناخت باطن است و در مسیر شناخت باطن، قدم اول، توجه به فعل‌ها و انفعال‌های باطن است، قدم بعدی تشخیص مراحل دگرگونی است، و قدم سوم نام‌گذاری و بیان آن مراحل است؛ و همین نام‌گذاری حلقه حلقه‌ی این سلسله‌ی مترابط - یعنی سلسله‌ی اسباب و مسببات فعل و انفعال‌های باطن - و تبیین روابط آن‌ها، گامی بلند در مسیر خودآگاهی و تسلط بر خویش است؛ زیرا از روشن‌ترین اهداف و ثمرات اسم‌گذاری بر امور باطنی، مشخص‌تر شدن "مسمی" و ایجاد یا تشدید توجه و تمرکز نسبت به آن، هنگام مواجهه با "اسم" است. هم‌چنین بیان سیر تحولات باطنی، مقدمه‌ای بس کارساز جهت توجه و تمرکز هر چه بیشتر نسبت به باطن نفس است. به همین دلیل تلاش‌هایی که در علوم مختلف^۳ برای شناخت، توصیف و تبیین فرآیند تفکر انجام پذیرفته، در حقیقت تلاش در جهت نیل به خودآگاهی هرچه فراگیرتر، و در نتیجه تسلط هرچه نافذتر بر ابعاد متنوع این فعل باطنی است. با این مقدمه می‌کوشیم با ارائه‌ی چند تعریف معتابه منطقی برای تفکر - که در واقع هر یک به گونه‌ای، تبیین معنای لغوی آن است - زمینه را برای "تبیین قرآنی فرآیند تفکر" آماده نماییم. (بمنه و کرمه)

۱. «همه علم‌های حضوری از نظر شدت و ضعف، یکسان نیستند بلکه گاهی علم حضوری از قوت و شدت کافی برخوردار است و به صورت آگاهانه تحقق می‌یابد ولی گاهی هم به صورت ضعیف و کم رنگی حاصل می‌شود و به صورت نیمه آگاهانه و حتی ناآگاهانه در می‌آید». شدت و ضعف علم حضوری، افزون بر شدت و ضعف مراتب وجود شخص درک کننده به شدت و ضعف توجه او به شیء مورد ادراک، وابسته است (رک: آموزش فلسفه، محمدتقی مصباح یزدی، ج ۱، ص ۱۷۷ و ۱۷۸).

۲. از جمله نمودها و نیز اسباب ملموس دگرگونی‌های باطنی، آمد و شد خیال‌های گوناگون در ذهن است. امام خمینی «قدس سره» اولین شرط برای جهاد اکبر - جهاد با نفس - در مقام باطن نفس را حفظ خیال و به دست گرفتن زمام آن معرفی می‌کند: «بدان که اول شرط از برای مجاهد در این مقام و مقامات دیگر، که می‌تواند [منشأ غلبه بر شیطان و جنودش شود، حفظ طائر خیال است. چون که این خیال مرغی است بس پروازکن که در هر آنی به شاخی خود را می‌آویزد و این موجب بسی از بدبختی هاست.» (شرح چهل حدیث، ص ۱۷، ذیل عنوان: در بیان ضبط خیال است).

۳. از جمله علوم که به بررسی "تفکر" پرداخته‌اند عبارتند از: منطق، نفس‌شناسی، روان‌شناسی، علوم تربیتی، علوم شناختی.